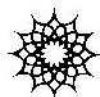


اندرز اوشنر دانا

ارزانه گشتاسب

نویسندۀ بیاحاجی پور



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۳

عنوان قراردادی: اندرز اوشنر دانا، فارسی - پهلوی
 عنوان و نام پدیدآور: اندرز اوشنر دانا/ فرزانه گشتاسب، نادیا حاجی‌پور.
 مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری: ۱۸۷ ص.
 فروست: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ سلسله انتشارات ۹۲-۳۳.
 شابک: 978-964-426-696-6
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۶۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.
 یادداشت: ویژه‌نامه.
 موضوع: اندرزنامه های پهلوی
 موضوع: ادبیات پهلوی
 شناسه افزوده: گشتاسب، فرزانه، ۱۳۵۲
 شناسه افزوده: حاجی‌پور، نادیا، ۱۳۴۸ -
 شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ ۱۳۴۹۳/الف/PIR۲۰۶۵
 رده بندی دی: ۸۸۰/۰۷۷
 شماره ثبت کتابخانه ملی: ۳۲۵۷۴۰۱



اندرز اوشنر دانا

ترجمان: فرزانه گشتاسب، نادیا حاجی‌پور
 ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 مدیر نشر: ناصر زعفرانچی
 ناظر چاپ: مجید اسماعیلی‌زارع
 نسخه‌پرداز: فرزانه گشتاسب
 آماده سازی: عرفان اردوباد
 حروف‌نگار و صفحه‌آرا: زینب عباسی
 طراح روی جلد: اعظم صابریان
 اجرای جلد: عطلا... کاویانی
 چاپ اول: ۱۳۹۳
 تیراژ: ۵۰۰ نسخه
 چاپ و صحافی: الغدیر
 ردیف انتشار: ۹۲-۳۳

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

ISBN 978-964-426-696-6

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۶-۶۹۶-۶

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۴۱۵۵۶۴۱۹، تلفن: ۸۸۰۴۶۸۹۱-۳، فاکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

فهرست

۱	مقدمه
۳۷	نشانه‌ها و کوتاه‌نوشت‌ها
۳۹	متن پهلوی
۶۵	آوانویسی و ترجمه فارسی
۸۲	یادداشت‌ها
۱۵۱	واژه‌نامه
۱۵۱	پیوست: دست‌نوشته FD26
۱۶۳	کتابنامه
۱۶۹	نمایه

مقدمه

اندرزنامه‌ها، ادبیات اندرزی یا اخلاقیات یکی از مهم‌ترین بخش‌های ادبیات پهلوی است که در ادبیات فارسی نیز ادامه یافته است؛ این گونه از ادبیات شامل سخنانی حکیمانه است که شاه، روضایی یا پسر دانا و خردمند خطاب به پسر یا شاگرد خویش و یا همه مردم بیان می‌کند. این اندرزها که در نوشته‌های پهلوی «فرهنگ» (frahang)، «آفره» (āfrāh) و «چاشته» (čāstag) نامیده شده‌اند، حاصل اندیشه و تجربه‌های فرهنگی یک ملت، در دوره‌ای طولانی است که سینه به سینه و نسل به نسل انتقال یافته و غنی‌تر گشته است؛ بنابراین ادبیات اندرزی را می‌توان ادبیات شفاهی به شمار آورده‌اند که تعیین مؤلف و زمان تألیف آنها کاری مشکوک و گاه محال است؛ شاید به همین دلیل است که اندرزنامه‌های پهلوی را اغلب به دانایان، آبروگران، خستین دین (پوریوتکیشان) و موبدان نسبت داده‌اند، بی‌آنکه نام فردی خاص در میان شد مانند «اندرز دانایان به مزدیسنان»، «اندرز پوریوتکیشان»، «اندرز دستوران به بهدینان»، «اندرز خرد» و اندرزهای کوتاه و بلند دیگری که در عنوان آنها نام گروهی خاص از حکمای

۱. برای آگاهی بیشتر درباره اندرزنامه‌های پهلوی ← تفضلی ۱۳۸۶، صص ۱۸۰-۲۰۱؛ جعفری

۱۳۷۱، صص ۸۶۸-۸۷۲؛ مزداپور ۱۳۸۶، صص ۲۸-۳۹؛ Macuch: Shaked 1986, pp. 11-16

ایران باستان به چشم نمی‌خورد، مانند «داروی خرسندی»، «خیم و خرد فرخ‌مرد»، «خویشکاری ریدگان»، «رساله روزها و اندرز خوبی کنم به شما کودکان»^۲.

افراد خاص که گاه اندرزنامه پهلوی به آنان منسوب است، معمولاً شاه، وزیر یا یکی از موبدان‌اند که در دوره زندگی خود شخصیتی نامور و از نظر دینی مورد احترام بوده‌اند مانند خسرو قبادان، بزرگمهر، آذریاد مهرسپندان، بهزاد فرخ پیروز، بخت‌آفرید و آذریاد زردشتان. در کتاب سوم دینکرد، اندرزهایی به جمشید پادشاه اساطیری ایران نسبت داده شده است و نام آذر نرسه، آذر مهر، آذریاد، آذر فرنیغ، بهداد آذراورمزد، آذر بوزیر و اوسارد سگزی به عنوان گوینده برخی سخنان حکیمانه و اندرزهای دینکرد ششم یاد شده است.

با آن که اندرزنامه‌ها مستقل به زبان‌های دوره باستانی ایران یعنی اوستایی و فارسی باستان باقی نمانده است، اما در دست می‌توان آثار این زبان‌ها را که شامل کتاب اوستا و کتیبه‌های شاهان هخامنشی است، به‌شمار آورد. بخش‌هایی برای اندرزنامه‌های پهلوی به شمار آورد. پشتوانه و تکیه‌گاه اخلاقیات و اندرزنامه‌های پهلوی، کتاب گاهان، پیام آسمانی زردشت و کهن‌ترین نوشته ایران باستان است که «اندرزنامه نیست، اما اخلاق سترگ و درخشان آن سرمون رفتار و کردار درست آدمی را به‌عصار جدید است» (مزدآپور ۱۳۸۶، ص ۲۰). احتمالاً بخش‌های دیگر اوستا مانند یشت، که سرودهایی حماسی در ستایش ایزدان کهن آریایی است، و وندیداد، که احکام فقهی زردشت را در زمان ساسانیان بازگو می‌کند، نیز الهام‌بخش بسیاری از اندرزهای دینی بوده است؛ به ویژه ممکن است نسکی گم‌شده از اوستای دوره ساسانی به نام «برشنگ»^۳، منبع دینکرد ششم، مفصل‌ترین اندرزنامه پهلوی، بوده است (تفضلی ۱۳۸۶، ص ۱۳۵؛ Shaked

۲. برای همه این اندرزها و پژوهش‌های انجام شده درباره هر کدام ← تفضلی ۱۳۸۶، صص ۱۸۰-

15, p. 1985). عبارتی مانند pad dēn paydāg kū یعنی «از دین (= اوستا) پیداست که» یا pad paydāgīh ī az dēn یعنی «به تصریح دین (= اوستا)» یا نقل جملاتی از اوستا در نوشته‌های اندرزی، نسبت اندرزنامه را با اوستا و آموزه‌های آن نشان می‌دهد.

اندرزنامه‌های پهلوی معمولاً کوتاه‌اند و متن آنها بیش از چند صفحه نیست، سبک آنها اغلب ساده و روان است و جملاتی کوتاه و روشن دارند؛ این جملات کوتاه، گاه به صورت جملات خبری و گاه مانند «مینوی خرد»، «یادگار بزرگمهر» و اندرز اوشنر دانا به صورت پرسش و پاسخ بیان شده‌اند. دینکرد ششم در میان اندرزنامه‌ها، از همه مفصل‌تر و نثرآلودتر است.

«اندرز نامستقیم» یعنی ذکر سامین اخلاقی و تربیتی در قالب حکایت و داستانی کوتاه، در اندرزنامه‌های پهلوی^۳ به ندرت دیده می‌شود، در حالی که در میان آثار مانوی که به زبان‌های پهلوی، پارسی و سغدی^۵ نوشته شده‌اند و نیز ادبیات فارسی

۳. «نوشتگان اندرزی گاهی مستقیم است و ساده گاهی نیز صورت نامستقیم به گفتن اندرز می‌بادرت می‌ورزد. اندرز نامستقیم در ضمن نوشته‌ها گفتنی‌ای نگر می‌آید و بسا که با نقل حکایت و داستان و ذکر صفات نیک و بد بزرگان یا پتران به شکل حکایت بیان می‌شود» (مزدپور ۱۳۸۶، ص ۱۱).

۴. منظور اندرزنامه‌هایی است که به زبان فارسی میانه و خط فارسی میانه به باقی مانده است.
۵. تفضلی ۱۳۸۶، صص ۳۴۵-۳۴۶؛ داستان‌های تمثیلی مانوی به زبان پارسی پارتی و بویس و زوندرومان و داستان‌های سغدی را هیننگ منتشر کرده است:

von M., 1975, *A Reader in Manichaean Middle Persian and Parthian* (Acta Iranica 9); Henning, W.B. 1945. "Sogdian Tales", *BSOAS* 11, pp. 465-487; Sundermann, W. 1973. *Mittelpersische und parthische kosmogonische und Parabeltexte der Manichäer*.

اثر بویس را امید بهبهانی و ابوالحسن تهامی با عنوان بررسی ادبیات مانوی در متن‌های پارسی و پارسی میانه به فارسی ترجمه کرده‌اند و تعدادی از داستان‌ها و تمثیل‌های سغدی را زهره زرشناس به زبان فارسی منتشر ساخته است، برای نمونه «زرشناس، زهره. ۱۳۸۱. جستارهایی در زبان‌های ایرانی میانه شرقی. به کوشش ویدا نداف.

دری^۶، اندرز نامستقیم بسیار است و نشان می‌دهد که چنین متونی در ادبیات فارسی میانه سابقه داشته است (Shaked 1986, p.12). نتیجه اندرزی «داستان شترنج» و اشارات اندرزی که ضمن حوادث داستان «خسرو و ریدگ»، «درخت آسوریگ» و «یوشت فریان» بر خواننده آشکار می‌شود، نمونه‌هایی انگشت‌شمار از اندرز نامستقیم در ادبیات پهلوی زردشتی‌اند.^۷

آنچه در نثر اندرزنامه‌های پهلوی فراوان به چشم می‌خورد، کاربرد کنایه و تشبیه و تمثیل است. به همین منظور که اندرز تأثیر بیشتری بر خواننده بگذارد^۸، متن پهلوی «داری خمدی» نمونه‌ای کامل از کاربرد زبان نمادین در بیان اندرز است. «... و ای پهلوان را اندر هاون شکیبایی باید کردن، با دسته هاون نیایش باید کوید و پر نیایش بوری باید بیختن و هر روز مرتباً [و درست در بامداد] دو کفچه، با سبزه تامل بر ایزدان، به دهان باید افکندن و آب چه شاید [و چه

^۶ برای نمونه می‌توان به کتاب‌های «بلوهر و بوذاسف»، «کلیله و دمنه»، «سندبادنامه» و «طوطی‌نامه» اشاره کرد.

^۷ احتمال دارد داستان عرفانی «سرود مروارید» که زبان‌های سریانی و یونانی باقی مانده است، اصلاً آشکانی باشد. این سرود دربردارنده مضامین زردشتی است و می‌توان آن را در زمره اندرزهای نامستقیم به شمار آورد؛ بن‌مایه این سرود به داستان غربت غریبه سهروردی و تمثیل‌های عرفانی دیگر است (مزدایور ۱۳۸۶، ص ۴۴؛ زعفرانچی ۱۳۸۱، ص ۶۹-۷۳)؛ سرود مروارید داستان شاهزاده‌ای است که از شرق راهی مصر می‌شود تا مروارید را بر ما بستاند و باز گردد؛ شاهزاده در مصر لباس مصریان را می‌پوشد، خوراک آنان را می‌خورد و به این ترتیب اصل خود و مروارید را از یاد می‌برد و به خوابی ژرف فرو می‌رود؛ پدر و مادر نگران شاهزاده‌ای به او می‌نویسند. شاهزاده پس از خواندن نامه ماموریش را به یاد می‌آورد، بر مار پیروز می‌شود و با مروارید و جامه خویش به شرق بازمی‌گردد. برای ترجمه فارسی این اثر — زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۵۶. ارزش میراث صوفیه؛ ویدن گرن، گنو. ۱۳۸۱. جهان معنوی ایرانی از آغاز تا اسلام. ترجمه محمود کندی.

^۸ برای نمونه‌هایی از تمثیل‌ها و تشبیهات به کار رفته در اندرزنامه‌ها — تفضلی ۱۳۸۶، صص ۱۹۹-۲۰۱.

می‌توان] کردن، از پس [آن] باید خوردن، پس [بیمار ناخرسندی] بی‌گمان
خرسند خواهد شد» (مزدپور ۱۳۸۲، صص ۵-۶).

برخی اندرزها بر مبنای اعداد استوارند^۹، مانند بخش‌هایی از دینکرد ششم^{۱۰} و نوشته‌ای کوتاه با عنوان «پنج خیم آسرونان و ده اندرزی که همه‌اندرزهای دین به آن پیوسته است»^{۱۱}. اندرز اوشنر دانا، از این جهت، در میان اندرزنامه‌های پهلوی یگانه است. اندرز اوشنر دانا، شاگرد از اوشنر خردمند درخواست می‌کند که برای اعداد یک تا هزار، اندرزهای بگوید که از آن همه، اندرزهای مربوط به اعداد یک تا شش به دست ما رسیده است. استفاده از سلسله اعداد در بسیاری از سنت‌های ادبی مانند

^۹ در ادبیات پهلوی، به جز اندرز گاه‌گستر و نکات آموزشی نیز بر مبنای اعداد بیان شده است؛ برای نمونه می‌توان به پرسش و پاسخ برای اب ادیان هشت فریان اشاره کرد:

«سیزدهم پرسش این پرسید که: یک چه و سه چه و ده چه و چهار چه و پنج چه و شش چه و هفت چه و هشت چه و نه چه و ده چه؟ هشت فریان گفت که: ...؛ یک، خورشید که به همه جهان شنی دارد؛ و دو، برآوردن و فروبردن نفس؛ و سه، پندارنیک و گفتارنیک و گشتارنیک؛ و چهار، آب و زمین و گیاه و ستور؛ و پنج، پنجه و ده و شش، شش ساله‌ریز؛ و هفت، هفت امشاسپندان؛ و هشت، هشتی (۹) نیک نامبردار؛ و نه، نه بدکار؛ و ده، ده نامبردار است» (جعفری ۱۳۶۵، صص ۵۸-۵۹).

^{۱۰} برای نمونه اندرزی از دینکرد ششم نقل می‌شود:

sē kas pad ahlāyīh ēn arwandtar, ēk kē andar gursagīh-ē rād, ud ēk kē andar garān-menišnīh-ē rāst-guftār, ud ēk kē ōy ī zadag nē zanēd (Shaked 1979, p.20).

سه کس در پرهیزکاری نیرومندتر[ند]: یکی کسی که در گرسنگی بخشنده [است]، یکی کسی که در گران‌منشی راست‌گفتار [است]، و یکی کسی که زده‌شده را نزنند.

^{۱۱} ← متون پهلوی (Jamasp-Asana 1897).

ادیات سنسکریت و بودایی وجود داشته و شاید اندرز اوشر نیز ادامه همین سنت است (de Blois 1993, p.95).

اندرزها را معمولاً به دو گروه اندرزهای دینی و اندرزهای عملی یا تجربی تقسیم می‌کنند، بسیاری از اندرزها در یکی از این دو گروه قرار می‌گیرند. شاکد هر یک از این دو گروه اصلی را به گروه‌های کوچک‌تری تقسیم کرده است (Shaked 1986, p.13):

اندرزهای دینی مشتمل بر:

سنت‌های و راهنماهای آموزشی: مانند «خویشکاری ریدگان» (اندرز کورگان) که از وظایف کودکان سخن می‌گوید و «بنج خیم آسرونان» و «ده اندرزهای دین» به آن پیوسته است که برای موبدان و پیروان دین زردشتی نوشته شده است.

۲. متون اندرزی و حکمت دینی برای عامه مردم دیندار: بخش زیادی از اندرزنامه‌های پهلوی در این گروه قرار می‌گیرند، مانند اندرزهای منسوب به آذرباد مهرسپندان، «یادگار زرگمهر»، «چیده‌اندرز پوریوتکیشان» (پندنامه زردشت)؛ این متون با تأکید بر صواب‌اولی دین زردشتی مردم را وامی‌دارند که برای آموزش‌های دینی به هیوبندسان و پور، با افراد خردمند و دانا مشورت کنند و احکام دینی را به درستی انجام دهند.

۳. متون اندرزی و حکمت دینی برای افراد خاص جامعه: مانند اندرزهای دینی کتاب دینکرد ششم.

اندرزهای عملی و تجربی مشتمل بر:

۱. راهنماهای آموزشی و رساله‌های تعلیمی: مانند «آیین نامه‌نویسی»، «سور سخن»، «گزارش شترنج و وضع نرد»؛

۲. حکمت‌های عام از افراد باتجربه و مهم: مانند اندرز اوشنر دانا، «اندرز بهزاد فرخ پیروز» و بخش‌هایی از اندرزهای آذرباد مهرسپندان، که بر اهمیت اعتدال و میانه روی، احترام به خانواده، سالخوردگان و فرمانروایان، آداب سخن گفتن، نگهداری ثروت و گزینش همسر تأکید می‌کند؛

۳. رساله‌های تعلیمی خاص برای آموزش شاهزادگان: در این باره متنی پهلوی که به طور خاص به این موضوع پرداخته باشد، شناخته نشده، ولی کتاب‌ها و روش‌های متعددی درباره آیین کشورداری در زبان فارسی و عربی باقی مانده است که می‌توان به اصل آنها به زبان پهلوی بوده است، مانند «عهد و وصایای اردشیر»، «عهد داری»، «نامه تنسر»، «کارنامه انوشیروان».

چنانکه پیش از این اشاره شد، می‌توان اندرزنامه‌ای را دقیقاً زیرمجموعه یکی از این گروه‌ها قرار داد، نامه آندرز انوشیروان آذرباد مهرسپندان است، اندرزنامه‌ای عملی و تجربی برای همه که در میان سخنان حکمت‌آمیز آن، اندرزهای دینی هم به چشم می‌خورد.

در ایمان به دین بسیار کوشا [باش]، زیرا خرسندی [تو] بزرگترین دانی [است] و زیرا بزرگترین امید به مینو [است]. همواره روان باش و به یاد دار. برای نام خویش، خویشکاری [و انجام وظیفه] خویش را ترک مکن. شون پهلوی، اندرز آذرباد، بند ۱۰۵-۱۰۷).

با وجود آنکه شاید اندرز اوشنر دانا را در زمره اندرزهای عملی و تجربی به شمار آورده است که شامل حکمت‌هایی برای همه مردم است (Shaked 1979, p.xvi; Shaked 1986, p.13)، اما به سختی می‌توان این اندرزنامه را، تنها اندرزنامه‌ای تجربی به شمار آورد. در میان اندرزهای اوشنر دانا به شاگردش، پندها و سخنان حکیمانه بسیاری با موضوع دینی به چشم می‌خورد که دینداران را به پرهیزکاری از راه اندوختن کرفه و

ثواب سفارش کرده است. در بخش نخست اندرزنامه که برای اعداد یک تا شش، اندرزهایی کوتاه بیان شده، بیشتر اندرزها از نوع عملی و تجربی است، اما در این بخش نیز برخی از اندرزها، آشکارا ماهیتی دینی دارند.

در انجام هر کار، که [فرد] از آن پشیمان نشود، آن کار کرفته است؛ یک راه به بهشت شدن، ایمان راست و کار نیک است؛ از این دو چیز بیشتر شایسته است اندیشیدن، یکی از گناه و دودِ دیگر از بدان؛... (اندرز اوشنر دانا، بندهای ۳، ۱۳،

۱۸).

در بخش دوم اندرزنامه، یعنی پس از یک یا چند صفحه‌ای که مفقود شده است، ماهیت اندرزها به دینی است، در این بخش موضوع اندرزها این است که چگونه باید کرفته اندوختن به نیکو توجه داشت و از گناه دوری کرد؛ در گذشتگان را به یاد داشت و به جای آتش کرفتن اب اندوخت؛ انجام چه کارهایی بهتر و چه کارهایی بد است؛ دین آگاه چه کسی است؛ اصل آفرینش خیر و شر از کیست. مهم‌ترین بخش دینی اندرزنامه اوشنر، و پنجم آن است که به اثبات توانایی دادار اورمزد در ساختن و راهبری رستاخیز و پل پسین می‌پردازد، «زیرا فرد با ایمان وظیفه دارد که بداند و توجه داشته باشد که هنگام برپایی رستاخیز چه چیز نجات‌بخش‌تر و برتر است، یعنی ایمان به دین مناسی سامان‌دهی و گنجوری دین کردن» (اندرز اوشنر دانا، بند ۵۵).

اوشنر دانا کیست؟

نام «اوشنر» (اوستایی: aošnara) دو بار در اوستا آمده است، یک بار در بند ۱۳۱ از فروردین‌یشت و بار دیگر در آفرین زردشت. نام اوشنر را از واژه ایرانی باستان

*ušanara- به معنی «مرد خرد، مرد دانایی» دانسته‌اند.^{۱۱} در هر دو متن اوستایی، نام اوشنر همراه با واژه اوستایی -pouru.jira- به معنای «بسیار زیرک» آمده است.

نام اوشنر را در نوشته‌های پهلوی اغلب با املاي 𐭮𐭥𐭥𐭥 (۱) و گاه به صورت 𐭮𐭥𐭥𐭥 (۲) و در متون پازند، نام او را به خط اوستایی به صورت 𐬨𐬀𐬎𐬌𐬎𐬎𐬀 (۳) و به خط سریانی به صورت «هوش‌ور» نوشته و برای او صفاتی مانند pad purr-xrad pad purr-zīr pad ham zamānag mad ō ōšnar ī purr-zīr. در همراهی با نام او آمده به سوی اوشنر بسیار زیرک (دینکرد هفتم، مقدمه، بند ۳۶).

ān ī purr-xrad čiyōn ōšāwar.

آن که پرخرد مانند هوش‌ور (اوشنر) است (دادستان دینی، پرسش ۳۶، بند ۲۶).

ōšnar būd ī purr-griftār.

اوشنر بسیار گیرنده [و دریابنده و باورس] (روایت پهلوی، فصل ۴۷، بند ۷).

purr-nar bəṭ čūn hušwar.

دارای مردان بسیار باشید، مانند هوش‌ور (تقریباً معنی ← روایت داراب هرمزیار، ج ۱، ص ۳۹۷).

ویژگی خاص و شهرت مهم اوشنر چنان‌که پیشتر نیز ذکر شد خردمندی و زیرکی او بوده است. در متونی مانند آفرین زردشت و آفرین میرد که از سرایانی چون فریدون به سبب پیروگری و درمان‌بخشی‌اش، از جاماسب برای نیرومند شدن و از کیخسرو برای فره‌مندی‌اش و از سیاوش برای آزادگی‌اش یاد می‌شود، برای گنجینه‌ای

^{۱۱} به نظر مایرهور (Mayrhofer 1979, vol. 1, p.19) *ušanara- احتمالاً یا با واژه -uši- به معنی «گوش» یا «هوش، قدرت درک و تشخیص» یا با واژه -aoš- به معنی «گفتن» ارتباط دارد (نیز ← Justi 1895, p.18).

^{۱۲} دابار قرائت ōšāwar را برای این واژه پیشنهاد کرده است (← Dhabhar 1930, p. xi).

دعا می‌شود که همه این صفات را داشته باشد، از جمله این که مانند اوشنر، پرخرد و بسیار زیرک باشد.

paouru.jirō yaθā aošnarō (Av.).

dānāg purr-zīr bawēd čiyōn ošnar (MP).

dōnā bīt čūn hušvar pur-xrad (Paz.).

دونا پرز پید چون هوش ور (پازند به خط فارسی)^{۱۴}.

تردیدی نیست که صفات اوشنر در نوشته‌های پهلوی و پازند، ترجمه واژه اوستایی pouru.jira است که در اوستا نیز ظاهراً صفت اوشنر است، اما در واقع باید آن را نام پدر جلد اوشنر دانست^{۱۵}. گواه این نظر، یکی متن اوستایی فروردین یشت است که نام همه شاهان و پهلوانان که پیش و پس از نام اوشنر ذکر شده‌اند، همراه با نام پدرشان آمده است^{۱۶}، دیگری پرسش چهل و هفتم از دادستان دینی است که در آن به مادر اوشنر، دختر «پور» ارجی «زداپرست» اشاره شده است.

^{۱۴} یعنی: «دانا و بسیار زیرک باشید مانند اوشنر (اوشنر دانا)»؛ برای متن اوستایی آفرین زردشت ← Festensgaard 1852, vol.1, pp. 300- 301 «... متن پهلوی (زند)» ← Dhabhar, 1927, pp.181- 184 برای متن پازند این دعا ← Antia, 1909, pp.107- 100 ترجمه فارسی ← پورداود ۱۳۵۷، صص ۸۰-۸۲ در روایت «توب و مزیار» (ج ۱، صص ۳۹۹-۴۰۱)، متن اوستایی «آفرین زردشت اسفتمان» به خط اوستایی و ترجمه آن «پازند» و به خط فارسی آمده است.

^{۱۵} کریستن سن معتقد است که pouru.jira- در اصل صفت اوشنر بوده و بعداً جای نام پدر یا جلد اوشنر تلقی شده است. وی نوشته است: «در بند ۱۳۱ یشت ۱۳ به اوشنر اشاره شده و از او به صفت pouru.jira- یعنی «بسیار خردمند» یاد شده است. از این صفت همچنان که در موارد دیگر دیده می‌شود، اسم خاص جدیدی ترتیب یافته و نام یکی از اجداد اوشنر شده است» (کریستن سن ۱۳۵۵، ص ۱۱۴) یادداشت ۴).

^{۱۶} فروهر [گرونده] پاک «ثراآتون» (= فریدون)، زاده «آئوی» (= آبتین) را می‌ستاییم، از بهر ایستادگی در برابر گری (= جرب) و تب و رنجوری (۴) و لرز (= تب سرد) و بیماری سخت (۴)، از